نگاهی به خوف و رجاء در تعالیم اسلامی

پدید آورنده : خادم حسین فاضلی ، صفحه 12

رهیافت

از جمله مسائل مهم اخلاقی که در زندگی انسان نقش بسیاری ایفا می کند، مسئله «خوف» و «رجاء» یا ترس و امید است. آدمیان بایستی از خداوند و عظمت کبریائی او و نیز از پیامدهای پرونده عملکرد خویش ترس داشته، و هم چنین با در نظر داشت رحمت گسترده الهی، به الطاف واسعه وی امیدوار باشند. همراه بودن صفت ترس و امید در زندگی عملی افراد مؤمن نقش تعیین کننده ای دارد؛ از این رو، دانشمندان علم اخلاق در مورد این دو صفت و همراه بودن آنها سخت تأکید دارند.

مؤمن راستین هم امید به لطف و رحمت حق تعالی دارد و هم از عذاب و کیفر خداوند وحشت دارد. امیدِ تنها، بدون عمل، غرور و خود فریبی است؛ خوفِ تنها نیز ناامیدی می آورد. ناامیدی از رحمت الهی، از گناهان بزرگ و خطر آفرین است، بدین خاطر بایستی خوف و امید در کنار یکدیگر باشند، این گونه خوف و رجاء است که در زبان قرآن و روایات مورد تمجید و تشویق قرار گرفته است.

ارزش و اهمیت خوف

خوف در لغت به معنی انتظار امر مکروهی یا از دست دادن محبوب است و در اصطلاح، ترسیدن و بیم داشتن است، چنانکه رجاء به معنای انتظار امر خوبی است که نشانه ای بر وقوع آن قائم شده است.

ترس از خداوند افزون بر اینکه از کمالات معنوی می باشد، سرچشمه بسیاری از فضایل انسانی، اصلاح نفسانی و سبب علاج امراض روحی است؛ خوف الهی از عادت پارسایان است: «اَلْخَشیَةُ مِن عَذابِ اللّهِ شیمَةُ المتقین»

امام صادق، به یکی از یاران خویش فرمود: ای اسحاق! از خداوند چنان بترس گو اینکه او را می بینی؛ اگر تو او را نمی نگری، وی تو را می بیند و اگر گمان داری که خداوند تو را نمی بیند کافر شده ای و اگر بدانی که او تو را می نگرد و باز گناه نمائی، خدا را پست ترین نظر کنندگان به خودت قرار داده ای. ترس از خداوند، همانند خالی بر چهره بندگان مخلص خدا پدیدار است، به گونه ای که مردم از هیبت و وقار آنان می ترسند، پیامبر گرامی اسلام فرمود: «مَنْ خافَ اللّه خافَهُ کلّ شی ءٍ وَ مَنْ خافَ غَیر اللّه خَوَّفَهُ اللّهُ مِنْ کلّ شی ءٍ»؛ «آنکه از پروردگار ترسید هر چیزی از او می ترسد و کسی که از غیر خدا بترسد، خداوند وی را از هر چیزی می ترساند.»

امام محمد باقر «علیه السلام» در مورد ارزش خوف می فرماید: «لا مُصیبَةَ لَعَدَمِ العقل و لا عَدَم عَقْلٍ کَقِلَّةِ الیَقین و لا قِلَّة یقینٍ کَفَقْدِ الْخَوْفِ وَ لا فقد خوفٍ کَقِلَّة الحُزن علی فَقِد الخوف»

«مصیبتی مانند بی عقلی نیست و هیچ بی عقلی مثل کم بودن یقین نیست، و هیچ کم یقینی مانند نبود خوف نیست، و هیچ عدم خوفی مثل کمی اندوه بر نداشتن خوف نیست.»

از همین جاست که در روایت آمده است: «اَتَمَّکُم عَقلاً أشَدَّکُم لِللّهِ خوفا»؛ «عاقل ترین شما، خدا ترس ترین شماست.»

خوف از پروردگار، رابطه مستقیم با أیمن بودن از عذاب قیامت دارد، چنان که از یکی خوبان پرسیدند: ایمن ترین مردم در قیامت کیست؟ گفت: کسانی که بیشترین ترس را از خداوند در دنیا دارند.

امام راحل در این باره می فرماید: «انسان مؤمن و سالک الی اللّه به این مهم بها دهد و به عذاب اخروی، شدت عقبات موت، أهوال صراط و میزان و... که ریشه خوف خدا را در قلب محکم می کند، توجه نماید».

سلمان فارسی از بازار آهنگران کوفه عبور کرد، جوانی را دید که با حالت غشوه بر زمین افتاده، وقتی جوان به حال عادی برگشت گفت: در حال عبور دیدم، آهنگران چکش های آهنین می زنند، به یاد این آیه افتادم که می فرماید: «وَ لَهُم مَقامِعُ مِنْ حَدیدٍ»؛ «و برای کفار گرزهایی از آهن [سوزان] است.» با یاد این آیه، چنین حالتی از ترس خدا به من رُخ نمود. محبت جوان در دلِ سلمان جای گرفت و هر دو پیوسته دوست بودند.

ضرورت امید

خداوند آدمی را نیازمند آفریده، نیازمند به تغذیه، امنیت، تعلق داشتن به هم نوعان... ولی مهم ترین نیاز هر فرد امید است. جهان تجلّی آرزوهاست؛ ساخت و سازهای مدرن، به وجود آمدن تکنولوژی عظیم و... ارمغان امیدهاست؛ چنان که ناامیدی موجب قطع ریشه زندگی و در اغلب موارد مایه خودکشی یا انزوای اجتماعی است. امید است که کشاورز را به بذر افشانی و آبیاری... وا می دارد، دانش پژوه را به تحمّل رنج ها و مادران را به بچّه داری و فرزند نوازی رهنمون می شود و به فرموده علی «علیه السلام» اگر امید نبود، هیچ مادری فرزند نمی زایید.

امید سبب تلاش ها و ناامیدی سبب آفت هاست. مولای متقیان «علیه السلام» فرمود: «اعظم البلاءِ انقطاع الرَّجاء»؛ «بدترین بلای خانمانسوز ناامیدی است.»

وقتی اسکندر کبیر به سلطنت مقدونیه رسید، املاک و اشیاء موروثی را بین دیگران تقسیم کرد، از او پرسیدند: برای خود چه نگاه خواهی داشت؟ در جواب گفت: امید که بزرگ ترین دارائی و تملک انسان است.

در امور معنوی و دینی نیز امید نقش سازنده ای دارد، در مسیر زندگی افرادی می توانند از خطرها عبور نمایند که روحشان لبریز از امید به حق تعالی باشد. انسان امیدوار، در دامنه کوهساران آرزوها، با تکاپو مسیر تکامل و نردبان معنویت را طی می کند و با کاستی ها به مبارزه بر می خیزد. مولای پارسیان فرمود: «امیدوارترین مردم کسی است که اگر نقصی در کارش پدید آید به تأمل در راه اصلاح آن بکوشد».

وقتی آدمی به سفره گسترده رحمت ایزدی و سعه عنایت او بنگرد که دریچه این همه رحمت ها و نعمت های گوناگون را از راه لطف و کرم، به روی بندگان گشوده است، آرزوهای او قوت گرفته و امیدوار به رحمت الهی می شود.

چه آن که او کریمی است که کرامت های او محض رحمت و بدون سؤال و استحقاق عنایت می شود؛ به فرموده سید الساجدین: «اِذ جَمیعُ اِحسانِکَ تَفَضُّلٌ وَ اِذْ کُلُّ نِعَمِکَ ابتداءٌ»؛ «زیرا همه احسان های تو از روی تفضل می باشد و همه نعمت هایت ابتلایی و بدون سابقه استحقاق است.»

هنگامی که انسان گنهکار به اقیانوس بیکران غفران کردگاری خیره می شود، ریشه های امید به کرم ایزدی، آرام آرام در روح وی جای می گیرد، علی «علیه السلام» می فرماید:

«شما را به پنچ چیز سفارش می کنم که اگر برای تحصیل آن شتران راهوار را سوار شوید و در اطراف بیابان ها گردش کنید سزاوار است: جز به خدا امید نداشته باشید و جز از گناهان نترسید، و اگر از چیزی سؤال شدید، در صورت ندانستن از نمی دانم گفتن حیا نکنید...»

در هر حال امید به پروردگار تسکین دهنده افسردگی های روحی است، ناامیدی از لطف حق تعالی، نوعی خودکشی است، وقتی آدمی از کرم او قطع امید می کند، به یقین از زندگی معنوی رشته پیوند را بریده است.

خوف و رجاء صفت بیدار دلان شب

قرآن ترس و امید را از صفت های شب زنده داران معرفی می کند. هنگامی که غافلان در خوابند، مؤمنان مقداری از شب را همراه با ترس و امید به راز و نیاز می پردازند. زمانی که خاموشی شب فراگیر می شود، عده ای با شور سر بر آستان معشوق می سایند در حالی که قلب شان از خوف و امید لبریز است: «تَتَجافی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضاجِعِ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ خوفا وَ طَمَعا...» ؛«پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می شود [به پا خاسته رو به درگاه رب می آورند] و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند.»

بنابراین از اوصاف مؤمنان «بیم» و «امید» از خداوند است، به گونه ای که نه از عذاب خدا ایمن اند و نه از رحمت وی ناامید می باشند، بلکه خوف و رجاء که ضامن نجات و تکامل است، همواره بر وجود آنان حکم فرماست.

قرآن مجید در سوره حجر بعد از یادآوری نعمت های بهشتی برای پارسایان، درهای رحمت و بهشت را بر روی گنهکاران امیدوار و خائف نیز می گشاید و با لحن سازنده و پُر از محبت می فرماید: «نَبِیّ عِبادِی أنِّی أنَا الغَفُورُ الرَّحیمُ وَ أنَّ عَذابِی هُوَ العَذابُ الألیمُ» «پیامبر! بندگانم را آگاه کن که من بخشایشگر و مهربانم، و [اینکه] عذاب و کیفر من، همان عذاب دردناک است.»

مولای متقیان در این باره می فرماید: «از خداوند بترس، و امیدوار رحمت او باش، تا از آنچه بیم داری ایمن بمانی و بدانچه امید داری دست یابی.»

تعادل خوف و امید

دانشمندان علم اخلاق می گویند: بیم و امید از خداوند، دو بال تکامل مؤمن اند، همان گونه که پرنده با دو بال پرواز می کند؛ در صورتی که تعادل بال ها محفوظ باشند، مؤمن نیز با بال های ترس و امید به لقاء الهی می رسد؛ در صورتی که تعادل هر دو حفظ گردد. تقوا پیشه گان همان اندازه که از حق تعالی خوف دارند، امیدواری نیز دارند، چنان که امام صادق «علیه السلام» می فرماید: پدرم فرمود: «مؤمنی نیست جز آنکه در دل وی نور ترس و نور امید وجود دارد، که اگر هر دو وزن گردند هیچ کدام بر دیگری افزون نخواهد شد».

حضرت علی «علیه السلام» فرموده: «خیرُ الاعمال اعتدال الرجاء و الخوف»؛ «بهترین کارها برابری و تعادل ترس و امید است.»

خوف و رجا یا نیروی جاذبه و دافعه

ترس و امید از خداوند، جایگاه قوه جاذبه و دافعه را دارد، همان گونه که در امور فیزیکی اگر تعادل نیروی جاذبه و دافعه در هم کوبیده شود، امراض جسمی یقینی است، پزشکان می گویند سبب بروز مرض های چربی خون، چاقی بیش از حد، امراض قندی... بر اثر به هم خوردن نیروی جذب و دفع بدن انسان در عصر تکنولوژی است؛ افرادی که به تنبلی و عدم تحرک فیزیکی عادت کرده اند دچار مرض های فوق می شوند، لذا برای ادامه حیات حفظ تعادل نیروی جاذبه و دافعه ضروری می نماید.

در امور معنوی نیز توازن ترس و امید یا نیروی جذب و دفع معنوی، ضامن رشد، بالندگی و تکامل به سوی کردگار است، از همین رو در وجود مؤمن خوف و رجاء به طور یکسان حکمفرماست؛ مؤمن با نیروی دافعه ترس از خداوند، عذاب پروردگار را از خود دفع می کند و با به کارگیری نیروی جاذبه ای بنام امید، رحمت خداوند را کسب می کند. غلبه ترس بر امید، آدمی را به نومیدی و نیستی می کشاند، چنان که سنگینی امید بر ترس از پروردگار، نیز او را به غرور و غفلت می کشاند؛ در نتیجه سبب در جا زدن و مانع سیر تکاملی آدمی خواهد شد. بندگان خاص بیم و امید را در کنار هم دارند و خدا را با خوف و طمع می خوانند: «یَدْعُونَ خَوْفا وَ طَمَعَا»

بعضی بزرگان عرفان و اخلاق در این باره راهکارهای مهمّی را نمایانده اند که در قسمت بعدی بدان خواهیم پرداخت. انشاء الله.

پی نوشت ها:

1. راغب اصفهانی، مفردات، تحقیق صفوان عدنان، بیروت، دار الشامیه، صفحه 303.

2. همان.

3. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، مکتب الاعلام، 1362، ج 3، ص 173.

4. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل، دار احیاء العربیه، ج 10، ص 146.

5. میزان الحکمة، پیشین، ج 10، ص 174 و بحارالانوار، ج 78، ص 165.

6. شرح ابن ابی الحدید، پیشین، ج 10، ص 146.

7. همان.

8. روح الله خمینی، شرح چهل حدیث، مؤسسه نشر آثار، صفحه 481.

9. سوره حج (22) آیه 21.

10. غلام حسین ذوالفقاری، رهنمون، انتشارات سخن، بی تا، ص 3.

11. همان، ص 3.

12. روح الله خمینی، شرح چهل حدیث، ص 223.

13. صحیفه سجادیه، دعای دوازدهم.

14. نهج البلاغه، کلمات قصار 82، ترجمه دکتر شهیدی، چهارم، تهران، ص 373.

15. الم سجده (32)، 16.

16. سوره حجر (15) آیات 49 - 50.

17. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، قم دار الکتاب، ج 1، ص .

18. کلینی، کافی، نشر فرهنگ اهلبیت، ج 3، ص 114.

19. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتاب، ج 1، ص 395.

20. سوره سجده (32) آیه 32.